



دموکراسی خلقی با مضمون ضد استثماری اش منادی  
ارزشهای توحیدی و ضامن آزادیهای حقیقی است

ی. سیستم حامد تجربه‌ی سفری  
دانشجوایان است که در آغاز بهر ز  
متشکل می‌شوند. و وعده دانه‌ی که باربر  
سی‌ایما دوناوکی وظایف دانشجوکنی  
باشم به راه‌یابی به‌سودت‌نوی و نوی  
مغوی متشکل منتهی ای بار، اصولی  
به صوری. که طایفه به‌نظر آمد که دست  
باید حاروی جوهر ضحیت یا امیرالیم،  
ارتجاع و استبداد باشد.



گزارشی از زندگی مردم در حلی آباد بازخدا را شکر دولت اسلامی شده، میگذازند ما توای الونک بنشینیم

ما فقیر و بیچاره های طبقه سه انقلاب کردیم، و خدا میداند توای انقلاب خونمان را هم دادیم، و حالا باز هم فقیر هستیم...

و به آریا باقی نماندیم می کند، آریس تا پایش فقر می ماند کفتش، لبایش و... همه...

گفتا رتوده های محرومی است که طی قیام سال گذشته بطور قریزی دشمن را شناخته و به مراکز اصلی آن با تکیه، کلابتو...

هفته یکبار یک دکتر می آمد الان از ما روزهای تا به حال نیامده، بچه ها مان هر موقع...

زنجیری از دانه های سفید نیز با رجه های قرمز سفید آویزان است. این تمام وسایل زندگی آنهاست...

کمر بند فقر در ورشکسته تهران سرمایه داران آلودگی از نفت، باران آجر چوب، دستپاچی رونق ناتی پراز خاک درست شده است...

و بالاخره انسان را به یاد مسئولیت افشای آنچه به نام علی و اسلام انجام می شود...

و بالاخره انسان را به یاد مسئولیت افشای آنچه به نام علی و اسلام انجام می شود...

و بالاخره انسان را به یاد مسئولیت افشای آنچه به نام علی و اسلام انجام می شود...

و بالاخره انسان را به یاد مسئولیت افشای آنچه به نام علی و اسلام انجام می شود...



زمان طاعون این راهم نمیکذاشتند...

مفهوم مقدس آزادی

مفهوم مقدس آزادی (البته در محدوده انتظارهای نیستند) - به معنی آزادی از هر نوع ستم و ستمگرایی...

این ندای آزادی واقعی غلبه یای هرمان و رزمده بود، حماسه و ستایش و پیروزی قاطع مردم آن سرزمین بزرگترین قدرت...

گاهی که برنج، نان، میوه و آب لیمو برای تقسیم آورده باشند همگی هجوم می آورند و با هم دعوا می کنند، دست آخر...

و با لیا برای تقسیم آورده باشند همگی هجوم می آورند و با هم دعوا می کنند، دست آخر...

و با لیا برای تقسیم آورده باشند همگی هجوم می آورند و با هم دعوا می کنند، دست آخر...

و با لیا برای تقسیم آورده باشند همگی هجوم می آورند و با هم دعوا می کنند، دست آخر...

و با لیا برای تقسیم آورده باشند همگی هجوم می آورند و با هم دعوا می کنند، دست آخر...

از پالی که در همین سوراخ بر سر بوده، از زمانی که پلیس رژیم شاه با سرنیزه، آنها را از الونک...

از پالی که در همین سوراخ بر سر بوده، از زمانی که پلیس رژیم شاه با سرنیزه، آنها را از الونک...

از پالی که در همین سوراخ بر سر بوده، از زمانی که پلیس رژیم شاه با سرنیزه، آنها را از الونک...

از پالی که در همین سوراخ بر سر بوده، از زمانی که پلیس رژیم شاه با سرنیزه، آنها را از الونک...

از پالی که در همین سوراخ بر سر بوده، از زمانی که پلیس رژیم شاه با سرنیزه، آنها را از الونک...

گزارشی از مراسم بزرگداشت چهلمین روز درگذشت آیه الله طالقانی در تارخانه کشف علی

# کارگران: راه پدر طالقانی را ادامه میدهم

## دکتر پیمان: هدف از شور این نبود که مایک مجلس مشورتی برای بدیرو سرمایه دار و کارفرما درست کنیم

در اولین تظاهرات طالقانی هزاران نفر از کارگران گروه گروه با دادن شعارهای انقلابی در کارخانه کشف علی واقع در جاده قدیم کرج در جمع شدند. آنان با برپا کردن پرچم‌های ایران و ادامه راه طالقانی یعنی تشکیل شوراهای واقعی تا مرز نهادت پیمان بستند. در ابتدای برنامه یکی از کارگران در تفسیر آیت‌های قرآن مجید چنین گفت:

یعنی از روحانی‌ها و مفسرین ما زبان نشان را به نفع سرمایه داران، بنفع طبقات و بنفع کارگران می‌گردانند و قهر را بر اساس منافع طبقات سرمایه دار تفسیر میکنند تا گناه کنند آن‌ها را سرمایه داران انجام میدهند از قرآن استدلال می‌کنند و قهر قرآن از آنان و مرجعین تفسیر گویشان بیزار است و آنچه را به خدا نسبت میدهند را خدا نیست. به سرمایه داران و طبقین مرجع آن‌ها آگاهانه به خدا و قرآن دروغ می‌نویسند.

با دیدن کارگران این شعارها پدید آمدند: «پيام طالقانی، شهادت است و شور» - «پيام طالقانی، اسلام انقلابی» - «بودا، بودا، دشمن سرمایه دار» - مرجع، مرجع ما می‌سرمایه دار» - «به آمریکا گفتنه به راه راجع» - گفتند: درود گفت به واقعی به روح طالقانی» - پس از آن یکی از کارگران با لایحه‌ای نوشت: «تبران پيام کارگران بر سرگزار کنند» - مراسم را قرائت کرد.

و اینک علامه پيام:

## پيام کارگران ادامه دهند راه طالقانی

بسم الله الرحمن الرحيم:

خواهران و برادران کارگر درود بر شما، مجاهدین و مجاهدین مبارزان، پدر طالقانی در حالی که فرزندان را ترک گفت که صفای نگران سرخوش قواشینی بود که می‌خواهد بر سران حاکم خود، وضع افشاری ما کارگران و محرومان را از اندیشه تحت فشار قرار می‌داد. وقتی صحبت از طبقات محروم و استثمار شده می‌کرد قلبان را زده می‌شد و می‌خواست که ما کارگران حاکم بر سرخوش خود باشیم. .... پدر طالقانی به ما بدین همین جریانات پی به ضرورت تشکیل شوراهای می‌برد و فریاد می‌آورد که باید شوراهای هر چه بود، ترویان این شتمان در تمام روستاها، مکتب و کارخانه‌ها تپان برپا شود. تا طبقات پایین بالا بیایند، تا سبکترین خودخواهها سرمایه دارها برودند دنبال کارشان، کارگرها، زحمت‌کش‌ها و دهقانان، شصت پیدا کنند، سرخوش خودشان را خودشان بدست گیرند. .... اره می‌جانت که ما زحمت‌کش‌ها غم داغ بدور بیشتر از هر فقر و طبقه بدگوش می‌کنیم، ما بدست دادن او به قیمت از دست دادن حای راضی‌مان حاصل شده است پس پدر را مورد خطاب قرار دادیم و می‌گوئیم: ای اباذر! دیگر چه کسی میتواند همین‌طور به سرمایه دارها فریاد بدیزد و آنها را بکشد. و از حق ما کارگران دفاع کند. .... ای اباذر! دیگر چه کسی با طرح شوراهای جبروت و اعدای خواب‌آلودن آتش جنگ و برادرهای را در راه و صبح جل مشکلات را پیشش داد می‌کند. ای اباذر! دیگر چه کسی حاضر است بگوید شوراهای حق ما کارگران، حق ما استثمار‌شدگان است و نگویید که این هدیه ما است ای اباذر! دیگر چه کسی نتواند این‌ها را در مقابل ارتعاج می‌آورد که می‌خواهد شوراهای ما

عفتی را به ما تحمیل کند. شوراهایی که از دست‌آورد جنفی و مشورتی خارج نمی‌شود. این شوراهای واقعی همان سندیکاهای فرامشی گذشته، بنام جدید است. ای اباذر! دیگر چه کسی قدرت مقاومت در مقابل مارک زده‌ها و زحمت‌زدنهای مرجعین را دارد که هر افراطی مفید به حال کارگرها به اسم خدا تعالی غریب‌ها را غافل و کمونیست نمی‌تکند و غرض و محیط با کارگران را محترم شمارند. ای اباذر! دیگر چه کسی به ما دادا می‌دهد و مرجعین را در همکشان می‌رسد که بگوید شوراهای باید به دست کارگران در خدمت آنها باشد. و در همه امور کارخانه باید کارگران را به خود و حالت کند و در ادارات امور حفاظت، فنی، صنعتی، مالی و تولید و توزیع و امور سیاسی و فرهنگی و یک کارخانه باید کارگر نقش عمده داشته باشد. ای اباذر! دیگر چه کسی خصوصیات نمادین کان واقعی ما کارگران را بدقت بیان خواهد کرد تا از رفو شود عناصر مغرور و وابسته سرمایه دار و کارفرما جلوگیری کنیم. ای اباذر! دیگر چه کسی بین خلقهای جهان بخصوص خلق ایران و خلق فلسطین پیوند برقرار می‌کند و رزم را پیوند را در برابر غلبه استبداد، استثمار و استثمار می‌شناسد. ای اباذر! دیگر چه کسی خلق قهرمان فلسطین را که این روزها ۵۰۰۰ نفر از زندگانشان در دنیا هلاک می‌شوند و صهیونیستها جناح‌ها را در اعتصاب غذا می‌برند حمایت مادی و معنوی خواهد کرد.

## کارگران واقعی می‌خواهند

آنکاه سراد کارگری از برق منطقه‌ای دربارم مفهوم شوراهای واقعی صحبت کرد و می‌فرمود: «من بر شمای سابق بسیار راضی کارگران بویژه کارگران صنعت نفت و برق منطقه‌ای، نحوه شکل‌گیری شوراهای پیش‌نشد و سرمایه زستان گذشته در محلات تهران و شوراهای مهندسی - امضا با در کارخانه‌ها را تو - فتح داد. سینه اظهار تأسف خود را از ارتقاء عناصر تصفیه برق منطقه‌ای بویژه شوراهای مقامی بالاتر اعلام داشت و از دولت حاضر اعتراضات اراذل شوراهای طالقانی وی محتوا کردن شوراهای بنام پدر طالقانی شدیداً انتقاد کرد. گفت: ما کارگران انسانیم، شخصیت داریم، می‌توانیم و نباید سرخوش خودمان را در شوراهای واقعی بدست بگیریم، ما مغرور نیستیم، قیم نمی‌خواهیم، نمی‌گذاریم با تشکیل شوراهای فرمایشی، هر وقت سرمایه دارها گیر کردند برای حل مشکلات خودشان یک شوری به ما بکنند و استی را بگذارند شوراهای نمی‌گذاریم سرمایه داران وابسته، کارگران را بر زمین رها می‌کنند. در دنیا خودشان که دشمن بزرگما کارگران و آلت دست آمریکا در ایران هستند از محله ما داران باشند.

با پایان یافتن درود - های این کارگر که در واقع صحبت و پيام همه کارگران می‌شد ما در این شرایط مصوب می‌شود. کارگری دیگر اعلام می‌شود: «جودیت» جنبش کارگران مسلمان را که تشکیل می‌دهد با استقلال و به جایی یعنی توحیدی و در این شرایط مبارزه خدا می‌رساند لطی است قرائت کرد.

## اگر لازم باشد بجای یکبارده بار انقلاب می‌کنیم تاریخه استبداد، استثمار و استثمار را در آوریم (از پيام کارگران)

میکنیم و همه سختی‌های را به جان می‌خوریم تاریخه استبداد و استثمار و استثمار را در آوریم همچون تو تحت رهبری قاطع امام خمینی با هر منبری که در جبهه کارگران قدم بردارد و از اسلام انقلابی منحرف شود و بخواد شوراهای ساختگی را تحمیل کند مبارزه خواهیم کرد و تا تحقق آلمان تو که همان آلمان غذا و اراده حاکم برهستی است ارا را نمی‌شناسیم و تا آخرین قطره خون خود را فدای خواهم کرد و شریک آن نیستی علی‌الکین استغفار می‌آی! ... اراده کرده‌ام که به برحمان و مستقیم چپا نیست گذاریم و آنان را به خواهان و رانان زمین گردانیم. ستاد مراسم بزرگوار کارگران را ادامه دهند، راه پدر طالقانی ۵۸/۸/۲۵

پدر روحانی به شهدای دوست که نگران سرخوش شوراهای بود

پس یکی از خواهران کارگر کارخانه دارو پیش‌تر از سرگرمی پدر طالقانی را تشریح کرد و سخن خود را

سرباز را در تگراس برای پنهان کردن در علیج فارس تربیت می‌کند بلوک است. برای اینکه آمریکا میدانده دیگر نمیتواند با تهاجم نظامی، انقلابی را سر - کوب کند. این را در ویتنام الجزایر ... تجربه کرده ....

مخالفانه به هم می‌آیند - سرها را راه می‌دارند و سیاست‌های را بر می‌تابانند ترس می‌گذارند که غیب الان با آمریکا کاری نداشته باشیم چون قدرت دارد و مسکرات علی - حاشا را اشغال کند و ما را محاصره اقتصادی بکند. این نوع برخورد از موضع ضعف است. افندی که توانست قدرت بزرگ شاه را شکست دهد نباید از آمریکا بترسد. این آمریکا است که با پدر ما می‌ترسد. اگر از موضع قدرت با آمریکا صحبت کنیم آمریکا است که باید تسلیم ما شود. اما متأسفانه بعضی مسئولین این فکر را تمسکینند، فکر می‌کنند باید ملاحظه آمریکا را بکنند. می‌گویند حالا به فلسطین بزنیم یا کم کم تسلیم می‌شود. آمریکا نگرانی را راحت بشود. این اشتباه است تمام این تهدیدها پوچ است ....

.... اگر بحثی از شوراهای مشروطه داشت شوراهای نبود که ما یک مجلس مشورتی برای مدیر و سرمایه دار و کارفرما درست

## خبرنگار مجاهد در مجلس خبرگان شدت مضروب شد

بقیه صفحه ۱

کرده تا هستی کوچک خوش را در راه هدف و ارمانش بگذارد، خود ما به افتخار است، که هر شان میراث خواری و سیمه‌چنان انقلاب شده و غلغله بدو - لوزیک خود را حفظ نماید.

یکی از این برادران خبرنگار در دوران شاه نیز علاوه بر تحمل شکنجه‌های چندین ساله تا پای اعدام هر رفت است. چیزی که بنظر نمیرسد در سوابق افراد با سابقه و نامندگانی خبرگان از صدرا تا ذیل هیچ‌کدام موجود باشد.

پس صورت جای سی تا سی است که در تگراس حاکم چنین شیوه‌هایی «سرما» محکوم نمی‌شود. در اینجا آنچه که دست اندرکاران چنین توطئه‌هایی با پستی بداند این است که صبر ملت ما به پایان می‌رسد، و برای همه در برابر تجاوز به حقوق خود دست روی می‌نهند و نخواهند گذاشت. و اما شرح واقعه:

از ابتدای ورود خبرنگاران انشیر به مجاهد به مجلس خبرگان آن‌ها به کرات مواجه با تفتیشات و محدودیت‌های جانبی پاسداران مستقر در مجلس و نفی برخی از نمایندگان بودند. یک نمونه این فشارها و مزاحمت‌ها معسکری است: ما ضحیفان آیت‌الله ربانی شیرازی یکی از خبرنگاران «مجاهد» که حدود یک ماه پیش‌تر به کنگره می‌گفت یکی از ما ضحیفان، پس کار بدستور یکی از مقامات انجام گرفته بود.

چهارشنبه ۵۸/۷/۲۵ پس از پایان جلسه رسی مجلس خبرگان هنگامی که خبرنگاران «مجاهد» طبق معمول همراه سایر خبرنگاران به قصد کنگره با نمایندگان مارم طبقه پایین شده بودند پاسداران از ورود برادران ما به محوطه نمایندگانی جلوگیری می‌کنند. در این هنگام وقتی که یکی از برادران ما مامور را پاسدار مسئول سوال می‌کند، ناگهان پاسدار مزبور بدون هیچ صحبتی بدست وی را با مشت و لگد و سیلی مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد. در همین لحظه قرب پاسداران هم فریاد «طرف او هجوم می‌برند. در این هنگام یکی از مسئولین دبیرخانه مجلس برادران را از کنگره می‌آورد و خارج می‌کند. و به این اصرار است که مجلس خبره در اینجا خبرنگار دیگر که از ما مطلع شده بود، به قصد ورود به آنجا می‌تواند که در همان حین دکتر شهبانی وی را متعاضد می‌کند. و بلافاصله به پاسداران دستور می‌دهد که او را توقیف کنند. پاسداران نیز او را با عتوت در میان گرفته و به این اصرار می‌برند. پس از این ساعت دکتر شهبانی به آنجا می‌رود که دستور توقیف او را داده بود و فرستاده می‌گوید: «تو نباید در اینجا اعلامیه و یا روزنامه‌ها بگویی» و خبرنگار دیگر نیز حق ورود به مجلس را ندارد. در اینجا برادران ما به هر دلیلی در این روزنامه به کسی جرأت نمی‌دهد چاروازی‌های انقلاب اسلامی و چه چو است که آزادی‌ها در مجلس پیش می‌شود؟ که گفت شهبانی در جواب به او می‌گوید:

بکنیم. کی هم چنین بحثی مطرح بود؟ کی آیت‌الله طالقانی تفسیری از شوراهای آزاد داد؟ مثل تفسیری که در طرح شورای دولت آمده است تا اینکه تعالیت شما کارگران (چوری باشد که از آن کارخانه و کارفرما و مدیرش صدمه نیندید و ناراحتی نکند و نهاد و اختلالی پیش نیاید یعنی شورایی در خدمت مدیر و سرمایه دار. آیا مفهوم شوراهای اسلام این بوده؟ .... وقتی اسلامی است که حق تعیین و قدرت را در همه بها در شهر دره در کارخانه به دست مردم بدهد. این شورایی نیست! معنای که بعد از آیت‌الله طالقانی تحت فشار شما و ملیون بها نفر از مردم ایران با تاکیدی که امام کرده بودند می‌خواهد پیاده شود. آیا با پستی به این صورت پیاده شود؟ یا این طرحها و این کالبدی روح وی - چنان؟ خودشان اعلام کردند که مردم استقلال نکردند، غصب معلوم است وقتی که قرائت مردم در شوراهای هیچ قدرتی نداشته باشد چه فایده ای دارد. .... دکتر پیمان با شعار ذیل بمشاوران فرموده: پيام طالقانی به سخنان خود خاشعه داد. وحدت مستغنیان و شورایی بسا محتوای پيام طالقانی است و اسلام ملیکم و رحم‌الله و برکاته

## خبرنگار مجاهد در مجلس خبرگان شدت مضروب شد

آخر اینجا به روزنامه‌ها حاس هستند. پس نگارید آن را بزرگوار بدید. پس نگارید آن را بزرگوار بدید. دستور داد که برادران را از کنگره بیاورند. این ابتدا از کارهای کارگران بود. لاخر هم از یک ساعت برادران از دست دکتر شهبانی بودند. پاسداران در این هنگام قهرمانیهای خود را برای یکدیگر شرح می‌دادند. یکی از آنها به دیگری می‌گفت: «تافت» چنانچه پیمان بر زمین می‌خورد تو گوش! و وقتی به او لگد زد ترسیدم که از شیشه پنجره به بیرون برت شود.

پس دکتر بهشتی به برادر یکی مضروب شده بود می‌گوید. این درست است که در بدو داشت در زمینه تهاجمات اسلام وجود دارد. این سالکای نیست. ولی چرا سازمان مجاهدین خلق حاضر نیست در برابر خود تجدید نظر کند، و با دیگر گروههای اسلامی که همگی برادر هستند و مبارزه کرده اند دست‌خوش شود.

در انشیر می‌خواهم کاین پيام مزاحرف. هاین را به سایر برادران را در سازمان مجاهدین برسانید. ....

پس دکتر بهشتی به برادر ما گفت: «در حال حاضر یک برنامه تبلیغاتی علیه شخصیت‌هایی مثل من به راه افتاده است.

اگر هر کجای این ماجرا برده ایم باید باشد. و دلیل تمام این حرکات تهاجمی برای کسی معلوم نباشد. سخنان آقای دکتر بهشتی در پایان، عمق نفوذ هدف همه این حملات را روشن می‌سازد. ساله اینست که در یک کلام ارتعاج با شقاق و زبان خاص خود می‌خواهد به ما بگوید: «کوتاه‌بینی» - از موضع ما - سی - ایدئولوژیکی تا دست بردارد. انتقاد نکند، حرف نزنید، اصلاً» - فله بشوید! - مواضع ضد دیکتاتوری فدا رتجایی و ضد انحصار ملی خود را ترک نمائید! بگذارید ما هر کار دلسان خواست بر سران انقلاب و این خلق و مهتر از همه مکتب و ایدئولوژی اسلام بیاوریم!

اگر شما حمله کردید، اگر ما برودیم و محاصره قرار گرفت، اگر شما دستگیر و مشروب و شکنجه‌بوندید، اگر به شتمانیت و افترا زدند، هیچ‌کس در تان وحدت! - حفظ شود!

پس جوهر و دشمن تمام این حرکات و سخنان است که نتیجه تمام این صحبت‌ها همین است: که حال که از مواضع نان کوتاه نمی‌آید، ساکت و غصه نمی‌شود، پس بخورید! بازم خواهید خورد! بازم اگر از مقاماتان دست‌نکشید، ادامه‌دار!

چرا مجاهدین در مواضع خود تجدید نظر نمی‌کنند

البته که منظر منور هست. کاملاً درست تشخیص داده‌اند. ما از همان آغاز که مواضع ضد دیکتاتوری و ضد پارسی و فدا رتجایی خود را پستاید حساب این راه کرده بودیم که گناختن بر روی جاسی گذاشتیم که کمترین فشارها و حملات به بقیه در صفحه ۶





از دستاوردهای انقلاب و خون شهدا و دفاع از ایدئولوژی و سرنگان همه این بهایها و زحمتها را در پی خواهد داشت. اینها همکاران قاطعیت ما در موضوع سیاسی - ایدئولوژیک خود و در همین حال بهای لازم هستند برای حراست انقلاب و سرافرازی اسلام راستین و دستورات حق تعالی است.

پدر ملی این مدت بر "حلاف جریانی" که رضا و تسلیم و سکوت پیش کرده بود، حمایت مادی و معنوی خود را از جنبش انقلابی مسلحانه و مهادنبر سلاح برکف لحظه‌ای قطع نکرد. سال ۱۳۵۰ پدر وقتی به تاشلی کلبه، روستای فقیرانه‌ای در نزدیکی تهران، رفت،

همین حال بهای لازمی هستند برای جبران  
است انقلاب و سرفرازی اسلام را بشین  
در نهایت هم حقانیت و آئینه تاریخی و  
سرمبندی ما را در پیشگاه خدا و خلق تا مین  
خواهد کرد.

سلاح برنگ لحظه‌ای قطع نکرد. سال  
پدر وقتی به تماشای کلبه، روستای فقیر  
می‌ایستد، میگوید: "تا اینجا میدانم  
که نسل جوان ما از همه امتیازات و زندگی  
راحت صرف‌نظر کرده، واسطه بدست‌گرفته

می ایستد، میگوید: اما اینها می‌دانند که نسل جوان ما از همه امتیازات و زندگی



نیست؟  
 (آیه ۲۸) خَلَقْتُ هَذَا الْإِنْسَانَ -  
 زحمت با این جهان را بیهوده -  
 بطل نیاز فریده‌ای انسان نیز  
 در نظام هستی‌دار توحیدی بلا -  
 تکلیف و سود را نداده است: **أَفَنُتِى الْإِنْسَانَ أَثْمَنَ شَيْءٍ**  
 ؟ یعنی ؟ آیا انسان گران‌می -  
 کند که او را مرا ساخته‌ام؟  
 از این رو در تبیین آثار -  
 فشانه توحیدی، بر خلاف ما شی -  
 علیهم، انسان به منزله وجودی  
 مسئول و مختار تلقی میگردد،  
 به عبارت دیگر بر حسب این دید -  
 گاه، "آگاهی" خود بخود و به -  
 نحوی اتودینامیک و درون جوش  
 "مسئولیت" و وظیفه‌مندی به  
 همراه می‌آورد.

إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدِيمُ السَّلَامُ الْعَزِيزُ  
مَنْ لَمْ يَنْفَرِ الْمَلِكُ الْقَدِيمُ الْحَبِيبُ  
الْمُعْتَكِرُ كَيْفَ كَانَ إِلَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ  
(آية ٢٣ سورة ٥٩)

باین ترتیب در جهان یعنی تمام  
حیاتیات تمام در دامن وحدت  
یعنی وجودیت پیدا میکنند ،  
اما لذت می‌نمایند از آن  
وحدت و یگانگی است  
که مستحکم و حل ناپذیر را  
نیست اما مشخص می‌سازد ، سعی که  
اگر نمود جهان در تاریکی ابدی  
کشاکش کند و فرو میرفت و هستی از  
هر مقصد و معنای بی‌ثباتی می‌شد ؛  
برکنار از استواری و آرامش  
ندویم در دوزخ الهی خلق  
اذا شطط ( آیه ۱۴ سوره  
۱۸ ) خدای ما پروردگار  
استیسا و زمین است و جزاوه  
دفع دیگری روی خواهیم کرد  
که در آن صورت به بهبودی و  
باطل فرو خواهیم رفت

این پاسخی است که قرآن به مسأله وجود می‌دهد. تمام وجود و تحولات هستی معنی یا همبستگی پدیدهای آن، از ا و منشا گرفته و بسوی او در جریان است: "إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ" (ما از خدا هستیم و بسوی او باز میگردیم)

۲- توحید در معنی انسان‌شناسانه:  
 از آنجاکه کار جهان و  
 اساس آفرینش آن بر حق است  
 (خلق السموات والارض بالحق)  
 و بطالت و بی‌جودی در نظام هستی روا-

الهی برپایه ...  
- دکتر بهشتی: ۲۵ رأی مثبت  
آورده . کافر نیست

سرانجام پس از ساعتها  
گشمتش و بحث که بی نتیجه می -  
ماند قرار می شود کلمه " توحیدی  
عذوب و بدون هیچگونه توصیفی  
گفته شود : جمهوری اسلامی  
نظامی است برپایه ایمان به ...  
که با اکثریت آراء نمایند  
گان به تصویب رسید .

ما هی با بن برتیب مجلس تدوین قانون  
ما هی اسلام، درختستان -  
جلسات آغا رعدو را با حذق کلمه  
توحید آغا رعدو را با حذق کلمه  
بینی منی منی منی منی منی منی  
مجلس و معلول آن که از ابتدا  
و در شرکت و در کنگی و طیفیات  
ساخته چه خواهد بود  
نوم تیلی التاری (طریق آیه)  
و ریکه ما هیت هر چیز آفا  
آغا رعدو ...

اکنون با توجه باظہارات فوق، به بررسی ریشه‌های اید - ولزولیک درک طبقاتی مزدوار اسلام و ماهیت تفکرات ضد - اسلامی و ضدتوحید افرویز - ادا می‌شود. ولی تمیل از ورود به بحث، مقدمه‌ای لازم است به جهت - یعنی توحید و تنبیهات و فلسفی - آن، ارائه وجود انسان و جامع - آثار او در چند مختصر بنمایم. بی‌شک لازم است - توحید - چنانچه با نظام اجتماعی توحید - می‌باشد استقرار بی‌نیاز و فاضلی - انبیا و ادیان توحیدی از بدو - نیست (ع) بوده است، تشریح کنیم. تا با این ترتیب روشن شود که با ابراهیم و محمد - صلوات الله علیہما -

کونینیت بوده اند. بنا آنکه اسلام ادعای معتزلیت به نظام توحیدی - فی الواقع اسلام تحریف شده - و بی محتوا و بازتاب آرماتها و غواشتهای طبقاتی خود آنها می باشد.

## جهان بینی توحیدی و معنای واقعی آن:

ابدوللوی توحید بیک سیستم یکپارچه اعتقادی است که اساسی بنسجم ویا هنگ به ماسل بشری وجود انسان و جهان جامعه پاسخ میگوید. از اینرو نگرش توحیدی به مثابه جوهر و عنصر اصلی محتوای جهان بینی اسلام، تا مثل تمییزات فلسفی و فقهی باشد، اساس

شنا سانه و جا معه شنا سانه توحيدى  
استه اعتقاديه "توحيد" در كل  
هستى، مستلزم اتخاذ مواضع  
توحيدى در كل مروه "فرد" و "جامعه"  
است كه ذيلاً به شرح مختصر آنها  
مبهردا زيم:

- اتو حیدر دهرستی:  
 - تو حیدر دهرستی عبارت است  
 از اعتقاد به یک هستی یگانه  
 مطلق، قادر و عالم که کلیه موجودات  
 را در بر می گیرد و سرانجام  
 وجودی که سرافرازان و سرانجام  
 تمام اشیا است و «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»  
 و «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»  
 (سوره ۱۶۲ - آیه ۲) و دعا می نماید  
 بر درگاه رسی هستی و بگوید که  
 «مُتَعَالَا وَجْهَتُ وَ شَفَعْتُ لَكَ  
 «فَوَ الْآلَ وَالْآخِرِ» (او ابتدا و  
 انتهای همه چیز است).  
 بنا بر این اعتقاد فیلسوف  
 وجودش با اعتقاد تو حیدی برهمنی و  
 هستی با آفرینشی با جهت و  
 مقصود است که در «وَرای  
 همه زمانها» می تواند باشد.

همه تفادهای درون‌دینی معنیهایی  
و ارزشهایی را از آن یگانگی و  
وحدت می‌داند. به عبارت دیگر  
چهره حرکات و تفادهای معنیهایی  
وحدت است. و خداوند  
مبارزه، اعداد و تفاد و سبیل  
خیل به وحدت و یگانگی است  
و حدی که ترجمان حقیقتی است  
یکانه، مطلق و متعالی، و در  
تبیینات قرآن چنین توصیف  
شده است: ﴿هُوَ الْوَاحِدُ الَّذِي لَا

شدیم که به ریشه های و تشریح  
دقیق تر موضوع فوق در این نشریه  
بیروا زیم:

گفت و شنودی از مجلس خبرگان

ابتدا برای آنکه جای هیچ گونه گفتگو باقی نماند، همین سخنان نمایندگان را در این جلسات به تنهایی از دو نوار پیاده شده در اینجا می آوریم:

- آیت الله منتظری: آقای حائری پیشنهاهایی دارند که خود من با خیلی از موارفم ایشان نوشته اند که "نظام مومئیدی تبدیل به - نظام الهی - شود. چون نظام تو - حیدر - از شما رهائی کمونیستی است یعنی که طبقاتی نباشد - اینجا کلمه مومئیدی بخاطر من هم جای سؤال است - برای اینکه ما لاف می زنیم دروغ می

دهد. لفظ متشابه، در قانون ن  
داریم. ما بایستی در قانون  
اساسی کاری بکنیم که لفظ  
متشابه در دو معنا و سه معنا  
بشد در زبانها در لفظ مرصع  
پرمحتوا باشد. این لفظ  
توحیدی معلوم نیست که معنی  
خدای یگانه یا متلاجا معنی  
توحیدی، یعنی بدون طبقه. علی  
این است. احتمال می رود. توحیدی  
که احتمالات بسیار بد لفظ متشابه  
کشود. لفظ متشابه ذکر نشود  
بشتر است که انگلیسی را بدگوید  
شم جمهور یا اسلامی نظامی است  
برایا به اولی که وضع می  
شود. این لفظی که مبهم و سر  
محتلاست باشد، ما عوشمان نمی  
آید...»

ها نمی‌بازد (تسلیم‌پند ما زدن را)  
اینکه مصالح توحید را به‌در آید  
انسان روی آن فکر کرد و چون  
قای دکتر بهشتی توضیح می‌دهم  
دادند، گفتم: توحید یک مبنای  
اسلامی دارد. به‌خاطر آنکه «نظام»  
قبلش نباشد. در اینجا دارد که  
«نظام» می‌باشد. و من می‌گویم  
روی آن حساسیت نشان بدهم، ولی  
اجازه بدهید، بی‌تلاشی که دارم  
بگویم که مطمئن هستم چقدر  
آقای بوم مطلع هستند. در حدود  
شاید یکی دوه سال قبل،  
کسانی به‌خاطر آنکه آنچه را که  
می‌خواستند را به‌عنوان ما می‌سود  
قبول قرار بگیرد، نشنیدند و  
تصمیم گرفتند که تغییر را  
می‌کنند و اسمش را بگذارند  
نظام توحیدی...  
.....

- کرمی (نماینده غوزستان) :  
 میان جمعیت چندین بار با صدای بلند صحبت گوینده را قطع میکند و میگوید: "من با لفظ توحیدی مخالفم و میخواهم این حذف شود."  
 - یکی دیگر از نمایندگان :  
 میان مجلس فریادی بلند: "ما با لفظ توحیدی مخالفیم، نظام توحیدی یعنی نظامی طبقه و این کمونیستی است."  
 در اینجا مجلس متشنج میشود.  
 - طاهری اصفهانی (نماینده اصفهان) از میان نمایندگان داد می زد: "آقا آقا! اسن لفظ را بردارید، ما اکنون در اصفهان گرفتار مسئله ارتش توحیدی هستیم. تمام ارتشهای درجه ها و پادگوشای خود را کنده اند و می گویند ما خواستار ارتش بی طبقه توحیدی هستیم."  
 - یکی از نمایندگان : بجای نظام توحیدی "بگوئید نظام الهی

- دکتر بهشتی: موافقین با عبارت "نظام شومیدی در اصل جمهوری اسلامی نظام توحیدی است برپا به..." قیام کنند.

- دکتر بهشتی: خوب، این جمله رای کامی نباشد. حالا پیشنهاد دیگری اگر کسی این باشد آنرا براه میگذارد.

- دکتر بهشتی: پیشنهاد درج شده: "جمهوری اسلامی نظامی است"

نی و تولیدی مردم شرکت نکنند، و در سازندگی جامعه ای  
نه وارد نشود، هیچگاه ماهیت مردمی پیدا نخواهد کرد

نمونه های تاریخی صدر اسلام

تاریخ اسلام حاوی نمونه‌هایی  
زنده و شگفتی غنی و پرمایه از تجارب  
مؤرذنه از هر دودن است. از آنجا  
نمونه که تاریخ طبری جلد ۱ صفحه ۱۵۹  
قل میکند. و هندوستان در صدر  
اسلام، هنگامیکه هنوز به‌خیر  
نشده بود، اصول زیر بود:  
۱- از اصول اسلام هیچ‌گاه  
انحراف نتوانستند. هدفهای مقدس ما را  
بمبارزه در نظر داشته باشند.  
۲- از راه عدالت بیرون نروید.  
۳- در جنگ با کافر بدین‌خود  
هرگز خودداری کنید.  
۴- با عمار انسانها برخورد کنید.  
۵- کودگان را نکشید.  
۶- به مال خود دکان آسیب  
نرسانید.  
۷- دعوت خالصانه و صمیمانه  
بپذیرید.  
۸- درختان را از بین نبرید،  
۹- حیوانات را جز برای نیاز  
مروار خود نکشید...  
همانگونه که مشاهده می‌شو  
د، ساهیانی معتقد به اصول اسلامی، و با  
مهربان دیگر ارشش که برای دست‌ن  
تن به اهداف پاک خودتدبیر باسطی  
شمارگران می‌جنگد، نمیتواند به‌آزار  
انسانها برآورد، کودگان را نکشد...  
یکس از رابطه نیز صادق است. مردم  
ارانی که زندگی مردم بی‌پناه را به آتش  
مکشند، جان انسانها را آتش‌پزی می  
کنند، و از افعال هرگونه رفتاری  
غیر انسانی حتی به‌زنان سالخورده و  
نوجوان نیز با آشی ندارند، نه‌تنها  
نونه سخت و آشنای با ایدئولوژی  
مقبول اسلام درگیری، بلکه دقیقاً این  
قربانان سرکوبی است که در تصاد  
بین حق و باطل محکوم به‌زوال و از بین  
رفتن است.  
همانگونه که فاصله می‌اندک  
شاهده میکنیم هنگامیکه راجعاً به  
مرب، تحت اهل اسلام، علی‌ها و  
مروار و قربان راتین اسلام را  
میزند، خلای معلوم الحالی نظیر  
نچان سیستم پلیسی ایجاد میکند که

وقضاوت قرار داد :- ( بدیهی است این

حکمت و مودت هاراجی، تسخیر و محنتی و اید  
هست و روایت بدرونی خاص خود را نیز  
هست ( ) اینگونه ادوی دربار هاراجی  
از این حقیقت ناشی میشود که در  
دیدگاه خودجودی ملایک ازبایی با ارزش -  
گذاری اعتقادات، از بدولتو پیرا و ادعای  
عمل آنها می باشد. بقول علی (ع):  
«يَذَبُّ بِرُوحِهِ عَنْهُ بَرُوحُ الْخَلْقِ»  
«يَذَبُّ وَالْعَظِيمُ بِأَنَّهَا لَا تَبْتِغِي رِجَاؤَهُ فِي  
عَظِيمِهِ، يَكْفُلُ مِنْ رِجَا، عُرْفُ رِجَاؤُهُ فِي عَظِيمِهِ  
...»  
«اذا عرفت که بعد از امامت،  
دروغ بزرگی میگفتند، چگونه است که  
اعتقاد و امیدوار و معشای بدینست، هر  
اعتقادی خود را در عمل نشان خواهد  
داد ... خطبه ۱۵۹ نهج البلاغه  
پس میتوان گفت که مشی -  
ترین عملگرودن و معشای هاراجی،  
شکل بر خوردن با توده هاست. ارزش -  
های امپریالیستی و آثار تنگنای و سیاسی و  
کشتمار، خونریزیه و غرابهایی که در  
برابر خلقها هواره از خود بجای گذارده  
و میگذراند، از او صغیرتر نمونه هاست،  
جبهات ارزش آمریکا در ویتنام و غرابه  
و مراکز فساد و فحشانی که برای خلق  
قهرمان ویتنام بارها مان آورند، ارکسی  
پوشیده نیست، اینگونه که ارزش تنگنار  
و زرد مدعی شاه نیز هیچگاه مردم مبین  
مارا از گردن شوم و نکتت باور کشید، در امان  
و مسون نگذاشت، قبول بر سر کشید -  
که از خون و هواره وجود این خلق ارتزاق  
نموند، و هواره وجودش را تسخیر و باری  
سنگین بر دوش مردم محروم و آلوده ما  
تحصیل میکرد، سرانجام نیز با فجایی  
نظیر کودتای ۲۸ مرداد، ۱۷ شهریور و ...  
دین خود را ادا نمودند -  
ارتزاق را مردمی بدینمیتوان گذرد  
ارتزاقی اگرانگیز پاردم و حامی صفیان  
بوده، و از آن درقبال چپا و لگرن و سر -  
مایه داران و امپریالیستهای فساد گند، ارتزاقی  
که در زندگی تولیدی مردم فساد گند،  
و در سازندگی جامعه ای آزاد و خالی از  
استعمار فاعلان و از خود دودار ایستلاری  
مردمی و خالی از تبعیض و اختلاف و طاقت  
کورکزرانه باشد. و کالای آگاهانه و سر -  
اساسی بدولتواری حرکت گند و هواره های  
مردمی بالا را تقویت نماید.

ارتش خلقی باید دارای مناسباتی خالص

از تبعيض و اختناق، و بدور از اطاعت  
نورگورانه باشد

منظور پیکر در کلبهٔ عیسا - طبعاً  
تی و در طول تاریخ مشاهده میشود. تمام  
نهادهای موجود در این جواب به شکلی  
در خدمت نیروها و طبقات حاکم است. از  
امکانات حقوقی، فرهنگی، اداری گرفته  
از ارتش، چرا که در تعداد آشتی ناپذیر  
بین دو جنبهٔ خلق و ضد خلق، طبقات  
استثمارگر برای تحمیل و دوام تسلط خود  
احتیاج به رانگران سرکوبگری دارند تا جلوی  
حرکت نیروهای تحت تسلط را بگیرند، از  
طرف دیگر از آنجا که منبع این چهارگوش  
سیری ناپذیر است، برای اشغال و تجاوز به  
سرزمینهای دیگر و سرکوب شدن جنبهٔ خلقهای  
دیگر نیز این ابزار سرکوب را بکار میبرند.  
برای مشاهدهٔ عملکرد دولتی و وجودی این  
وسيله و ابزار همین ارشدهائی است نظری  
به جنگهای بهمانی میفکنیم که کلبهٔ  
صدعات تاریخ را نبشته است.

ولی از طرف دیگر خلق نیز با  
افزایش فشار و استثمار بی حد و حشانهٔ  
این طبقات، و از روم و راههای متفاوت  
کروانی هزاره‌ای برآمدل رهایی طلبه بر این  
تصاد یعنی برخورد قهرآمیزی می‌برند، و  
ارشش خود را بوجود می‌آورند، و  
سوالی که اینجا مطرح است این است که  
این دوتای ارش چگونه قابل تمیزند؟  
بمعبارت دیگر میدانیم کارآرشیایی  
ضد رومی و ارتشهای بی‌ام و عسلت و خوی  
غیر ارشهایی تجاوزگر و جنگ طلب، و  
برای دست یافتن به اهداف بلند خود  
دست به هرگونه آتش افروزی و واژگون  
چلوه‌دان سابقین می‌زنند و سرکوب خلق  
می‌نمایند. می‌بازند. و از طرف دیگر ارشهایی  
رومی جز در راه خلق و برای حاکمیت  
مستعلمان و دستهای جزایر ملتی  
شیزند. سؤال اینست که ایندو چه‌تفاوت  
و تمایزی دارند؟ و با چه ملاک و معیاری  
میتوان آنها را بازشناخت؟

معیار ما در این ارزیابی چیست؟

پرتورگی میتوان گفت کارآرشی  
را بنا بر عملکرد و روش کارشناسان یا توده‌ها  
میتوان شناخت، و آنها را مورد ارزیابی

جهان بین تو جدی و معنای

[illegible]

قبل از نیا شد. در اینجا دار دک  
"نظام جدید" و من و شما هم

روئی از حساسیت نشان بدهم، ولی اجازه بدهید این طایفه که دارم بگویم که مطمئن هستم چقدر آقا یونوم مطلع هستند، در حدود شاید یکی دو سه سال قبل، کسانی به ظاهر اینک آنچه را که میخواهند در چوچا معما مورد قبول قرار بگیرد، نتوانند و تصمیم گرفتند که تمسیرات را بیرون کنند و اسمش را بگذارند نظام توحیدی ...

— کرمی (نماینده عوزستان) از میان جمعیت چندین بار با صدای بلند، صحت گویند را قطع میکند و میگوید: من با لفظ توحیدی مخالفم و میخواهم این حذف شود.

— یکی دیگر از نمایندگان (از میان مجلس فریاد میزند: ما با لفظ توحیدی مخالفم، نظام توحیدی یعنی نظام بی طبقه و این کمونیستی است. در اینجا مجلس متشنج میشود.

— طاهری اصفهانی (نماینده اصفهان) از میان نمایندگان داد می زند: آقا آقا! اسن لفظ را بردارید، مثلاً اکنون در اصفهان گرفتار مسئله ارتش توحیدی هستیم. تمام ارتشها درجه ها و رتبه ها و کلاهها خود را کنده اند و می گویند ما عواست ارتش بی طبقه توحیدی هستیم.

— یکی از نمایندگان: بجای نظام توحیدی بگوئید نظام الهی

— دکتر بهشتی: موافقین با عبارت نظام توحیدی را داخل جمهوری اسلامی نظام توحیدی است برپا به ... قیام کنند.

— دکتر بهشتی: خوب، این جمله را که می یابم و در بالا پیشنهاد دیگری از شما می باشد ترا به رای می گذاریم.

— دکتر بهشتی: پیشنهاد درج شده جمهوری اسلامی نظامی است.





پرواستهانی از خطبه پنج بلاغه (۳) بقیه از صفحه ۱

محافظه کار می باشد؟ تاچه حد در میان مردم پاکی دارد؟... در ده ها اندازه به آن اعتماد دارند؟ آیا سطح آگاهی و پهنی مردم بدان حد رسیده که منافع ناب و فرست طلب را شناخته و آنها را تصفی و طرد کنند؟... تصمیم گیری چگونه است و میزان دخالت اراده مردم در تصمیم گیری چیست؟ تاچه حد استیلا بر بندها و تفادهای نیروهای سیاسی با همه عملکرد آنها و... همچنین منظور از موفقی و ناموفق و معنی سیاسی مبارزه از راه و شیوه های است که برای حل مسائل و تفادهای جامعه (و به معنی از همه تفاد اعلی) در رهبر است؟... یط شخص اتخاذ می شود.

اکنون با توجه به توضیحات فوق به بررسی مختصر شرایط سیاسی جامعه ای که علی در آغاز زمانداری خود، اداره و حل مسائل آن را میباید کرده بود، میپردازیم. تا به بینیم اودان شرایط چه موضعی اتخاذ میکند، بررسی شرایط سیاسی جامعه در آغاز زمانداری علی

توضیحاتی را که در این زمینه در کتاب امام علی آمده میباید نقل میکنیم: تا روشن شود علی (ع) در چه شرایطی قدرت را بدست گرفته است: (ص ۲۲۲ جلد ۱ امام علی)

... آنجا که دوزخ از آن هم بزرگتر از اتفاق نظر ندارند... آنجا که پراکندگی در میان نواحی مختلف مملکت ایجاد شده است که هر ناحیه ای گمان میکند خود شایسته حکومت است. نه دیگر نواحی، حتی گاهی که از مدتها پیش برای رهبری آنها داده شده اند، نیز طمع مطالب گردیده اند. با اینکه قبلا با هم متحد و به نام تپله خود معروف بودند، و دیگر قبایل از آنان میترسیدند و تحت فرمانروایان بودند، اکنون هر کدام، دستمست شده، بنام خدا و به نام پادشاه شناخته میشوند. امروز دیگر قریب نیست که تمام جزیره العرب در دوره جاهلیت و در روزگار نخستین کوفی فاسی اسلام، تحت فرمانروایان باشد. هدف واحد گذشته های باشکوه شان که باعث شده بود گردنها را در برابر خود به اطاعت در

پرواستهانی از خطبه پنج بلاغه (۳) بقیه از صفحه ۱

آوردند. دیگر آنرا با هم متحد نمی داد.

بار دیگر صدها و کینه توریهای غنچه برخی نسبت به برخی دیگر پیدا شده... انگیزه ها و اغراض شخصی در آنها با یکدیگر هم پیمان شده... بسیاری از شاخه های قریب سیاسی برگزیدند و با شاخه ها شمی، که علی نمایند آن بود، به مبارزه برخاستند. منظور همی از این اقدامات برداشتن رهبر از سر راه خود بود... معاویه زبیر و طلحه و عمر و عاص و دیگر حادان در یک رفته و همگی بر علیه علی به نظم در میان آنجا که هر گروهی خود به تنها فی، در پایان گای بر سر پیرین قلبه نمایند...

بعدها خود امام نیز بی غلبه ای

## امام علی روشهای انحرافی راست روانه و چپ روانه را محکوم میکند

شرایط آغاز کار خود را چنین توصیف کرد: " برای امر انقلاب بجا خاستم، هنگامیکه نیروهای مردم در دفع و ناتوانی قرار داشت. و خود را آشکارا نمودم آنجا که ایشان سردرگریان بودند. و گویا شدم، وقتی که آنان و مانده بودند. و بنور خدا گذشته و بنستغارا شکستم، زمانی که ایشان حیران و سرگردان بودند... (خطبه - ۳۷) و یا در غلبه شفقیه، دربار و موضع نیروهای جامعه پس از بیعت میگوید: پس چون بیعت مرا قبول کردند و به امر خلافت مشغول گشتیم جمعی بیعت را شکستند و گروهی از روی باران خارج شدند، و بعضی از اطاعت خدا بیرون رفتند... در خطبه ۸۷ نیز در باره همین پراکندگی و عدم شکل و عدم وحدت نیروهای جامعه همدار میباید: " پس گفتا که و چگونه هات این فرقه های گوناگون، که دلایل با پیمان در پیشان با یکدیگر اختلاف دارد. از دست هیچ پیاپی، بهیروی نگردود و هر گدار هیچ خصوصی اقتدا نمی نمایند... در ادامه این خطبه حضرت

سران و رهبران قبا قبل در باره ک و تفوقی عیدید بر میبرد. آمدند. شما هر یک دارا میخواست و ادعاهایی نیز بوده اند. ثالثا: جریانهای انحرافی و فرست طلب شدت مشغولتکمید و تثبیت موقعیت خویش اند. بطور کلی علت این عدم انجام و پراکندگی را باستانی از یک طرف و نروپای حرکت انقلابی جدید و باطنی از یک طرف و آسیب پذیری آن دید، و از طرف دیگر در خط مشی رهبری بعد از رحلت پیاپی بر میخواستند، (انحراف) اکنون با توجه به شرح بیحاشی فوق، بر سر اصل مطلب میرویم تا بینیم علی در این قسمت از خطبه در رابطه با شرایط سیاسی جامعه چه موضعی اتخاذ کرده، و چه راهی را در پیش گرفته است.

**اهمیت موضعگیری ها و خطوط سیاسی علی از نظر امام**

امام در اینجا قبل از هر چیز اهمیت این موضعگیری ها و شیوه های اصولی حل مسائل را یاد آوری میکند. اردیگانه توحیدی ملی، تا کتیک ها و شیوه های مبارزه نیز در کنار هدفها و آرمانهای

بلند مدت ایدولوژیک نقش اهمیت خاص خود را دارا میباشند. بر خلاف خیلی از مسلمانان مطلق گرای دگم و قشری، که همواره بکار گرفتن تاکتیک ها و شیوه های صحیح مبارزه دچار فقر و ضعف شده هستند، امام علی هرگز نسبت به این امر بی توجه نبوده و بهای لازم را به آنها میدید. در این زمینه میگوید: " شغل من الجنة و النار اما نه " (مشغول شد هر کس در حالی که بهشت و دوزخ را در پیش دارد). یعنی انسان هر قدر پیاپی که بر می دارد، و هر گاری را که انجام میدهد، در واقع پست یکی از دو مقصد نیست و یا به عبارتی راهی که در پیش دارد، میباید بدان نزدیک میگردد. امام تا ثیر مقدم و فایده را بر روی جز جز موضعگیری ها و اعمال فردا نظرشان میبازد. به عبارت دیگر او معتقد است که هدفهای مطلق و آرمانهای ایدولوژیک و نهایی تنها از راه اتخاذ سیاست های درست مرحله ای و به کار بستن اصول در تاکتیکها قابل وصول است.

با این ترتیب مفاهیمی چون بهشت و جهنم (در دین علی معنای اصل توحیدی خود را بعنوان مفاهیمی معنی) نه لغتی و بدور از دنیای واقعی و عمل (بازی با پد، که در ارتباط با موضعگیری ها و اعمال انسان در همین جهان قرار دارد. بر اساس این برداشت واقع گرایانه، انسان سرخوش (قیامت) را با عمل خود نی از لوازم در جامعه و مواضع اقتضا دی، اجتماعی خیلی و پیروزی باید بهیروی و تعیین میکند. ضرورت هماهنگی با جریانهای

**پیشرفتهای تکاملی**

سین امام علی خطاب به آنان که می خواهند به راه خدا و خلق گام نهند، با الهام از یکی از قواعد مهم تکامل (اصل کتاب)، خاطرنشان میسازد که تنها آنهایی رستگار خواهند شد که دراز مبارزه و قیام و وظایف و مسئولیت ها و تقاضای و بهشت را بپذیرند. و توانسته باشند با گام های سریع و پیگیر به تحولات و تغییرات انطباقی حاصل کنند: " ما سریم تنها (آنهایی که دست اندر کار تلاشی پیگیر و سریع هستند، نه انا که خواهند کرد). و طایف بی نظمی و طایف که کند و در دنبال جریان است حرکت میکنند، آنجا که از قانون تکامل سر باز زده و خود را با اهداف سریع تحولات منطبق ساخته اند، و بیشتر از مبارزه و جهاد نبوده اند، فقط میخوانند و بهاد و نروپای داشته باشند. بهر حال این دسته گروه در مقام پیوندگان راه خدا و خلق نیستند، ولی همین قدر که لنگ لنگان هم که شده، و خواهان در نور دیدن راه حق و همگامی با جریان اصل و پیشتار هستند، به ما قیامت انامید هست اما دسته سوم یعنی آنها فیکه کا- هانه و در اثر وابستگی ها و تا یلات طبقاتی خویش تن به تسلیم و سکون داده اند، و فرجا- می جز سقوط در آتش نخواهند داشت: " و مَن قَرَّبَ إِلَى النَّارِ كَوَى (و کسی که کوتاهی کرد، در آتش فرو خواهد افتاد). و ما فرجام شوم و دردناکی که به حکم خدا و تکامل، و به حکم تاریخ و قانون سندیاری اجتماعی در انتظار همه نیروهای است که از جهاد غلبه غارچ شده و با اردوگاه باطل و غدلی سازش نموده اند، همان نیروهای مقیم اند و واپس گرایی که نه تنها رعد و برق پایداری ندارند، بلکه بصورت سدی بر برابر حرکت نیروهای انقلابی و بالنده عمل میکنند.

**خط مشی اصولی و انقلابی، و شیوه های انحرافی**

سین امام علی وارد بحث بر روی مساله " انحراف در خط مشی سیاسی " (چپ روی و راست روی) و معرفی خط مشی اصولی با شیوه حل تضادهای

(طریق لوسطی) میباید. "الْمُسْتَعْمِلُ وَالْمُسْتَغْنَى وَالْمُسْتَعْمِلُ وَالْمُسْتَغْنَى" (چپ روی و راست روی هر دو انحراف و نگرانی هستند راه اصولی و شیوه صحیح همان طریق لوسطی است). باید توجه داشت که چپ روی و راست روی که در اینجا بعنوان شیوه های انحراف فی مورد بگوشه قرار گرفته با چپ و راست به معنای مخالف وضع موجود (چپ) و موافق وضع موجود (راست) و یا درجه ترقی خواهی "مخالفات" است. با بحث دربار این موضوع را به فرست دیگری موکل میکنیم. آنچه در اینجا دربار چپ روی و راست روی، با اختصار تمام میتوان گفت این است که: چپ روی و راست روی به طور کلی تا نظریات رسته از راه حلها و با خط مشی های سیاسی انحرافی است که با شرایط زمانی و مقتضای نبوده، و نه تنها به حل مسائل و تضادهای جامعه، بلکه در جازدن و پاک کردن بیشتر گروه ها را باعث میشود. چنانچه شیوه ای که برای حل تضاد اصلی ارائه میگردد، عقب تراز از بی باشد. یعنی مرحله آن پیروی شده باشد راست روی و اگر چه حل مربوط به آینده باشد یعنی زمان بکار بستن آن هنوز نرسیده باشد، چپ روی نامیده میشود. راست روی و چپ روی به طور کلی، پشت و روی یک سکه هستند، و در هر حال عملکرد زیبا به آن بود دشمن تمام خواهد گشت. اشاره علی به راست روی این سخن است که آنها بی است که از موضع محافظه کارانه و سازشکارانه او را از بر سر و قاطع و انقلابی با معاویه و داروخته منحرف طلعه و رهبر بر خیزند باشند، و امام را به معاشات با آنها و ایضا حکومت معاویه توبه میکنند. (یک معنای دیگر راست روی، در جا زدن در مراحل کمی و بی توجهی نسبت به جبهه و اقدام قاطع و انقلابی است). همچنین در اینجا باستانی از آن دسته از افرادی یاد کرد که در مواجهه با تضادها و مشکلات از کار پیر حوصله گریزان بوده، و میخواستند با اقدام عجولانه با ملاحظه از روی مشکلات پرواز نمایند. نه آنکه با شکمهای انقلابی و حل کردن مسائل آنها را از پیش با برداردند. (مفهوم چپ، روی در حقیقت سو زدن مراحل کمی در حل تضادهاست، یعنی عدم توجه به این مساله که مراحل و کیفیت های نوین بدون گذار از مراحل کمی و تدریجی امکان ظهور نمی یابند).

در مقابل راههای انحرافی رهبر علی در طریق لوسطی گام بر میدارد که به خلاف مشی راست روانه و چپ روانه، هم به روند تدریجی حل مساله توجه می نماید، و هم در شرایط مناسب و ضروری به حل قاطع و انقلابی " قضا میبازد. (تا تمام)

**فیلم شهادت، شهادت بی پیام**

بقیه از صفحه ۱۰

چرا که اگر ما به این ارزشها کم بها دهیم علاوه بر آلوده کردن آنها خود را نیز آلوده خواهیم برد. چیزی که مهربانیت فیلم شهادت نیست شاید این فیلم اصولا ارزش حتی چند سطر معرفی کردن را هم نداشته باشد. زیرا عمیقاً اعتقاد داریم که نمیخواهیم مردم را به فروختن و هرگز قادر نخواهیم و نخواهند بود که فداکاریهای غلبی را مورد معامله قرار دهند. لیکن همه درس و تجربه ایست که میشود از فیلم گرفت و متوجه چه خطر دردناکی بود که به پهنه خطر مملکتان را می تهدید میکند. خطری که خواهی خواهی بقیعت لو ت شدن ارزشهای انقلاب و مردم تمام میشود. درمی که دلاوی نه مرگ را انتخاب کردند و هر صبح و شام یک امید و یک آرزو داشتند: شهادت.

خاطراتی از پدر طالقانی

کار اساساً از روشن کردن اذهان و قلوب مردم شروع کنید

همین مانده است که روزه هم بفرایند... خوب آنجا هم شمارا غرنا کتومی بینند، انگه

این مجاهدین ارسیده ها عطرنا گشردند... سین نزدیکتر از این اوضاع گله کرده و گفتیم آقا ترا بخند برای این وضعیت فکری بکنید.

پدر گفت: با شد بگو فیه آقا به من تلقین کند تا سفاش لازم را بکنم. ولی فکر نکنید حرف مرا گوش بی کنید. گفتیم: آقا اختیار دارید، پس حرفه کسی را گوش میکنند؟ پدر گفت: مساله چه کسی نیست، مساله این است که هر مقدار از حرف را که با وضع خودشان جور باشد، یعنی همان قسمتی را که خودشان میخواهند گوش بی کنند.

تا نیا من هم این را میدانم و خیلی جاها هم گفته ام که برای این عده گویا نه آمریکا هست و نه انگلیس همه چیز را اول کرده اند و چسبیده اند به ما هدین. و آدم تا پای صحت آنها می نشیند همه اش بر علیه مجاهدین می شود.

ثالثا این مطلب را که گفته اند شما از ما رکیستها برایشان غرنا کتورید درست گفته اند! (با غنده) آخر آنرا گفتند: اند! رکیست که کلامی گوید غذا را قبول ندارم و تمام ولی شما هم تفهیر میکنید، هم آنچه را که نباید از اسلام گفت! به مردم می گوید، هم قرآن و نهجاً لبلا نه میگوید

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

## فیلم ”شہادت“ شہادت بی پیام

### به بهانه دیدن فیلم "شهادت"

هنگامیکه با ظاهری مردم‌فریب‌پر  
خلق نفوذ کرده‌اند و از همین  
است که بازار موم‌فربسی  
و سوق میگرد و انقلاب و زرشا و  
رمانهای قیام خلق سوردمنا-  
و تقویر میگرد و آشغوا و پان  
للم سنا قلیلا فیهن سنا  
مشتون (آل عمران ۱۸۹)  
به مردمی که با دست‌های  
برخاسته و کاری کردند کارستان  
همچو چه نمیتوانی تردید کرد  
اگر بکنی بدو هیچ ترسیدی و ل  
بودی را در هر زمینه که باشد -  
ناتوانی کرده‌ای. بحث ما مقوله‌ای  
سیاسی نیست و از این نظر فقط  
فیلم خود توجه میکنیم. فیلم  
بهین ملت که سرشت و ماهیت  
فلاسی‌پندار و فقط توانسته صحنه  
و مختلف را بدون هیچ پیوند  
و گانگی در کنار هم قرار دهد  
و به همین دلیل ملت‌آش‌در-  
نم چوشی شده‌است. از گمانی که  
با قبل از پیروزی هموارانی  
و ترکشایی فکلی و مردمی بوده‌اند  
ناتوانی در پیرویه انقلاب نیز  
ناتوانی و اندر- به "ملت"  
می‌آید. تندروی کشید  
داشته‌اند و بعنوان یکی از  
میران انقلاب نام میبرد. جلسه  
افتتاحیه انجمن اسلامی هند-  
و سین و سفرانی هندس را بکار  
و بعنوان یکی از "انقلاب"  
و خودپندیده می‌دهد. آخر  
هندس نیست و وزیر مملکت  
نده و بهای چهره و نقش و اراد  
فیلم نشان داد و رک پوست  
کنده و کوفی و خوش‌پیر کرد. که  
گاه نیز می‌خواهد شیطنت کرده و  
مرا با پسرینک نبودن آش و  
می‌کند بالاخره هر دو طرف را در  
تجارت باید داشته‌باشد تا گاهی  
و مباح به زندانی آزاد شده  
و در ادمایی و پنا چهره‌ای از  
بدر فلانی به نمایش میگذارد  
صحنه مباح به با جوانی که  
بسیار مظاهر را زآما دگسی  
برای عمل مطالعه صحبت میکند  
و بسیار روی از امام خمینی  
تحمید میکند یکی از صحنه‌های  
موم‌فربس فیلم است عیان را  
سؤال کنیم آیا برای اید  
ملوت کردن آگاهانه عمل  
مسلحانه بهشت‌زانی نیست که  
سالهای سیاه اعتناق را با  
داشتن تحلیل مخفی و سازمانده  
می‌پسندد... و باز کرده‌اند؟  
براستی فرق ما چرا جوتی و  
با حرکت نا آگاهانه و خودپسندی  
با حرکت آگاهانه سازمان یافته  
بهست و وقتی فکلی فیلم روشن تر  
میشود که در کنار اینها همراه  
و همدم با حرکتی دگمونیستی  
القاء شده توسط امپریالیسم  
برای منحرف کردن مردم و قرار  
دگمونیستی به در فیلم داده  
میشود. موم‌فربس و با رجا و زنی  
فیلم وقتی به روح خود می‌رسد که  
استفاده به پسرینک موم سو  
استفاده از صحنه‌های فجیع  
و انقلابی دردناک و تهاجم کردن  
فیلم میشود. صحنه‌هایی که هر  
کدامشان بهینت ریشه گسترده‌ای  
که در واقعیت تلخ و غش زمانه  
دارد میتواند خود معجز  
فیلمی قرار گیرد. اما مثلثانه  
با خود می‌بانه - فیلم دارای  
هیچ پیام مخفی نیست و نمی-  
تواند صحنه به باشد. همانگونه که  
تکلیف فیلم فقط در رابطه با  
جلب مشتری ساخته شده و بهینر  
این نمیتواند مورد دیگری را  
م داشته باشد و بسیار طبیعی  
است که بهوشی از غلابیت و ابتکار  
و ذوق در ستار فیلم شنیده  
نشود.

■ ■ ■

بهینده بر ایتی میتواند  
بعد از پایان فیلم از خود سؤال  
کند که با آنچه به چه می‌باشد؟  
چه حرفی؟ چه رسالتی؟ چه کار باید  
کرد و سمت گیری نگذاشت و بهینده  
باشد. از دیدن فیلم چیزی جز  
و گویی و سردرگمی حاصل بهینده  
نمیشود.

■ ■ ■

بعد از پیروزی  
و انقلاب و روش گرفتن بازار زرش-  
(و رها که همه - حتی مردم  
بهین نادی بود - توار -

را نیز انقلابی کرده بهینه-  
متر این خطه نیز از این بهیبه  
ممنون نماند. فرمایش میزدلی  
که در همه زمینه ها عرضه میشد و  
به خود فقط یک کلمه "انقلابی" و  
"اسلامی" را دارد مثل آنچه  
اسلامی بهینه هنر ما را نیز  
فرزورید. هوام فریسی هنری  
که دارای تمامی ویژگی های ما  
هوام فریسی های دیگر نیز می باشد  
تسلط شد. فرهاد معاهد ایلیم  
شد. اشارتند و سوزان انقلابی  
اسلامی که کسانی که تا چند وقت  
پیش جرات نمی گشتند تا داشتند  
از روضه شاخ آقا گریه آه می-  
مندان و سه میرفتند بیکبار شروع  
به خواندن کردند. قلمبهای دوران  
افتاد. کارشان تا تازه از گرد  
پرسیده انقلاب موجه خود را  
بظاهر ندروشن فکرانه خود را  
آغاز کردند. نوع جدیدی ما -  
فریسی تا جایی که در همه  
"تخریب" انقلاب کاری نکردند  
تا آمدند تا عادل در دوره ساز -  
دنگی آن عدستی کنند. و سایر -  
این شروع کردند به سازدنگی.  
ملا در مورد "آغیتن" شروع...  
نوع نیست که "چه" بگویند فقط  
با بدیهی را بود و در یکی از مراسم  
رسمی "ملا بهت افت استادی  
شعر را خواند با پای کرد تا هم  
شعر را هم نشود هم "توده  
شعر عرش را بنشود. و بداند که  
انقلاب چه فرزندان خلفی را در  
خود پرورش داده، با بود و  
ایلم... فکر کنید کار میگویی  
در چنین محیطی و با چنین  
جوت حاکمی نه مهارت میخواند  
دور نه استکار و ولایت میگوید که  
از اینها فراین شروع نه فایده  
دارد و بدید میخواند فقط  
کافی است که یک مقدار "فا" به

## وارثین...

ما وارت حماسه سرخ شهادتیم

ای همه را غنیمت بپا خیزید !  
این غنیمت جمع کنید !  
این دشت ، جای ماندن ما نیست !  
دیر نیست ، در دوردست سرخ افق ،  
- ابرسياه فاجعه پدید است ■  
دیر نیست این غرابه خونین ،  
- در امتداد تپا های رها شده است .  
دیر نیست نگاره های شیر ،  
- کوچک قبيله ما را فراموش می زنند .  
برخی زید !  
ما از تپار غرنی صدها سال داریم !  
ما وارث حماسه سرخ شهادتیم !  
ما مرگ پرشکوهر !  
- چون پرچم حماره سرخ مکتبمان ،  
تا آخرین نفر !  
تا آخرین نفس !  
- دیوانه وار !  
- بردوش می گنیم !  
اما ... ما زین نمی گنیم !  
حتی اگر تمام پیکر ما پاره پاره شود ،  
- در زیر چنگه دوزخیهای رنگارنگ !  
حتی خشونت زنجیرهای پولادین !

حتی قساوت سلولهای تلنگنگ !  
حتی شکنجه مزدورهای تگراری !  
بهبوده است !  
باور کنید !  
- در چشم ما یک لحظه ما هم نتوانید دید !  
حتی یک ذره آخ هم نتوانید شنید !  
ما دست خود بدست شما پان نمیدهم !  
بیعت نمیکنیم !  
سازش نمیکنیم !  
- بگذار دشت شهیدان ما سرختر شود  
ما زین شکوفه های غرنی جدا چاک ،  
- بسیار دادایم !  
ما تشنگان غصه تنها ، در این کویر سياه !  
دیر نیست ، چشم تلنگر افاله صبح برودایم  
- مرگ شلیک سرگراهِ آرزوی ما است !  
- این سخت جانی ما اتمام ما است  
شمعین مباحش برادر !  
- بهروز مشهور !

( اشاره به روایت حضرت رسول قبل از رحلت )

— می‌نویسند نگاه کنیم...  
مگر آنها که دسته دسته کتاب  
می‌خوانند و روزی درشت آیه و  
روایت و حدیث با خر خوانده می-  
کنند تا خر عملیات خودشان را به  
نام و عنوان اسلام بخورد  
خواننده بهچاره دهند چیز  
بهتری دارند؟ و مگر کم موقوف  
بوده‌اند؟ یا این وضعیت به‌چاره  
ساده خواهد بود که به‌چاره هم  
فیلم بسازیم. دوره "دوره" اسم  
است به محتوا. گاهیست که "اسم  
است" شهادت را خیل جمعیت را  
بگفتن است به سیمنا. زن و مرد و  
بچه و بزرگ را که خیلی باستان  
شاید هم برای اولین بار باشد  
که از اسلام می‌روند.....  
درس برای فیلم شهادت  
همین مصالحه برای تمام هنرمندان  
است که ملوث کردن ارزشهای  
مردمی و انقلابی چقدر ساده است

فصل در مطبوعه ۹

## زندگی پرفرازونشیب یکساله دانش آموز

کارنامه تحصیلی مان را با مهر خون شهیدان، به تائید خلق قهرمان مان رساندیم

بها دنیا ورم که کتا  
با رسال ما رابه صف بستن در  
معاط مدرسه و ادار میگردند  
لیا یمان پراز کینه به دشمن  
خلق بودا رفتن به خلقی جوشیدو  
در این طبایعی استقامت  
مال پیش در صف با شور بدستیم  
بجزه کلاس همه شیشه های مدرسه  
آتشکیم و به غیا با نهان غنیم  
تکابهای درسی را کتا بهای را  
که مطالعت و محتوایش حاصل  
طلی این بودند نفیسم در  
کوچه میگردان و نفیسم و نفیسم  
که در خیابان درگیری و نمرد  
گ و زندگی چریان داد بهاره  
ره کردیم و آتش زیم تا کار  
شک آور و رانختی کند ما دیگر  
که کتا بهای را نمی خواستیم ما  
با دکتاب تازه ای بنویسیم  
کتاب تاریخ را ....

سراپا شور و شوق بودیم در  
کوچه ها و خیابانها میزد کردیم و  
مرور چند تن از خواهران و برادران  
معمولان در این نبردها میبودند  
میشدند و پیراهنشان پر سر  
افراشته زرم نویس ما بود  
در جنگ و نبرد فرست می پدا  
میگردیم که در زم جمع میشدیم  
گزارش و خبر در می مید. تجارب  
ودرس های تازه ای که در سنگر  
با گذرگفته بودیم منتقل و میور  
شد، هر روز چند نفر غایب بودند  
و می شا هدر دم ما ....

چه دورانی، رنگ تفریح  
نداشتیم، دیکر با رنگ مدرسه  
کلاس تعطیل نمید. ما در فلک  
هر کوله ای درس تازه اید لغیم.

ارون حماسه سوخ شهادتیم

حتی قنات سولهای تنگتنگی !  
حتی شکنجه مزدورهای نگاری !  
بیپوده است !  
باور کنید !  
در چشم ما یک لحظه ای هم نتوانید دید !  
حتی یک ذره آخ هم نتوانید شنید !  
ما دست خود بدست شما نیندیم !  
بیعت نمیکنیم !  
سازش نمیکنیم !  
با گذار دشت شهیدان ما سرختر شود  
ما زین شکوفه های عونی مدچاک  
با سوار دادیم !  
ما شتگان خسته تنها در این کویر ساه !  
دیرست چشم انتظار کله صحر بودیم  
هرگ شلیک سحرگاه، آلودی است !  
این سخت جانی ما انجام است  
غمگین مباحش برادر !  
بهروز میثوم !

« اثر به روایت حضرت رسول قبل از  
رحلت »

میپوستد نگاه کنیم ...  
مگر آنها که دسته دسته کتاب  
میپوستند و میریزد درخت آیه و  
روایت و حدیث را بخوانند می  
کنند تا غزیمات خودشان را به  
نام و معنای اسلام بخور د  
خوانند بهاره دهند چیز  
بهتری دارند؟ و مگر کم موفق  
بود اند؟ با این وضعیت بهار  
ساده خواهد بود که بخواهیم  
فیلم بسازیم. دوره دوره اسم  
است نه محتوا. کالست که با  
اسم نشاءت. خیل جمعیت را  
کنشیم به سینما. زن و مرد و  
بچه و بزرگ را اولین با بهایشان  
شاهدم برای اولین با بهایشان  
که اعلام سینما میروند .....  
درس بزرگ فیلم نشاءت  
همین مساله برای تمام هنرمندان  
است که ملوث کردن ارزشهای  
مردمی و انقلابی چقدر ساده است

بقیه صفحه ۹

برنامه هفتگی مان در جنگ  
و گریز و گشتن مولوتوف و سه راهی  
درگاه راکت آو روسک و تفنگ پز  
میشد و چه درین پرشوری و بهدین  
ترتیب کار نامه تحصیل مان را  
با شمعون شهیدان به تائید خلق  
قهرمان رساندیم.

به ماه تعطیلی ما نفیسم  
امسال برای اولین با بهایشان  
موضوع اشاء دادند که باستان  
خود را چگونه گذرانید همه مان  
بنویسیم که باستان و به ماه  
تعطیلی برای ما آغاز تازه ای  
بود. برای ما مرحله نوین را  
بیا و زات غیا با نی بود و دیگر  
سقوط کرده بود. نوی کوچمادر  
کلاس معلم کبرمان را بدر کلاسی  
و حرارت ار دستا و درهای انقلاب  
غویا رمان را تو غنیمت و با نشان  
دادن هویشا ری انقلابی خود مان  
در مقابل تهاجم ارتجاع و اتان  
که میخواستند با چا مدرج و  
مرج و جنگ داخلی آب رفت را به  
جوی با زگردانند. اعتراض کردیم  
راه بهیما ی گرمی و بنیستیم  
و امتحان همه در ساهی را که  
با گذرگفته بودیم خود پسندیم.  
گاهی اوقات بعضی از ما فکر  
مینکردیم که شاید روزی  
دهد اسبه شایع شود  
که میخواندیم این مسئله  
رحمان میدهد. با زهم مثل  
زمان دیکتا توری بقا طرفش  
الامیه ما را تعجب کردند  
دنکیر شدیم، کتک خوریم  
فرض شهیدیم به دنبال مان  
می گذاشتند و بدیدیم میگردیم  
فریاد میدادند دیگر بدین خرابکار  
است .... اگر کار نامه ما روشن  
بود میخواند به بودیم. شهر  
خوبین خلق هنوز بای کار نامه  
ما و بهیما همکلاسی ها یمان جنگ  
دهد بود.

ما دیگر نمیخواستیم همان  
کتابهای قدیمی و همان دیوهای  
کهنه اسارت و سکوت در قبال  
فارت خلق و تهاجم ارتجاعی  
انسانی را بخوانیم و بنویسیم  
بعدا را انقلاب و در ضابطی که  
نیار میزدیم و انقلاب بودیم  
رحمچین شکل کردند این کتابها  
و رابط و شکل تازه ای بیا رمان  
دیگری به خود ما بدهند تا ما  
اجاره چنین کاری را به آنها  
نخواهیم داد ما آن کتابها را و  
همه آنچه در آنها بود مقابل  
گاراگت و سورانده ایم. این  
کتابها تنها بدین سوزانند میفورد  
تا بدین رومان را آزاد و دلخشان  
رای افراشیم  
در ماه شهریور، ماه تجدیدی  
همه چیز تجدید شدند همهم  
و دستگیری ما به بگردیم و هر  
هوا با نیریمان ها و عهد ها تجدید  
کردیم  
با گرامی میداشت عا طره گل  
سر شهیدان ۱۶ شهریور شهادتیمان  
را با پر از گل سرخ کردیم و به میعاد  
با عهدی ۱۷ شهریور رفتیم  
۱۹ شهریور معلم کبرمان  
همان کسی که ما رابه کلاس درس  
نبردنشا نمود و مورمان دادها مان  
که راه مدرسه فارمان مدرسه  
انقلاب و مبارزه را با نشان داد  
و تفنگش را با ارمایمان به با گذار  
گذاشت. قسم خورده ایم که راه  
حنیف را سخت و سی امان  
بنازیم  
آری امسال بجای توانا  
بوده که دانا بود. بسر سرد  
مدرسه درخت میبوسیم  
تا ظالم هست مبارزه هست  
و تا مبارزه هست شکست پیروزی  
همه تفنگ و لی سرانجام پیروزی  
از خلقهاست.

و مشق هر روز مان اینست که ....  
ما فردا هزاران مهدی خواهیم  
شد .....  
با درود به شهیدان دانش آموزان  
و سلام به همکلاسی های پیوسته راهشان

ما با دکتاب تازه ای بنویسیم  
کتاب تا برین کار نامه تحصیل  
مان را با صحران شهیدان مان  
به تائید خلق قهرمان رساندیم.



اسنادی از توطئه های سیستم آریامهری (قسمت دوم)

تلاش زوال هوپز و همتای ایرانی اش در غیر سیاسی نگهداشتن ارتش خلاصه میشد

از تشدید قوه باغی عامل حفظ منافع امپریالیسم در یک انتقال آرام قدرتی اکنون کجاست و تحت حمایت کیست؟

طبق وعده های مکرر ده دهم، در این شماره نیز یکی دیگر از اسناد توطئه های رژیم فاسد پهلوی را مورد بررسی قرار می دهیم.

این سند نوشته است مربوط به ارتشبد فرهادی، وی آخرین رئیس ستاد بزرگ ارتش ایران رژیم شاه و کارساز و دلال سیاست نظامی آمریکا و به اصطلاح همتای ایرانی هوپز می باشد.

پس از آنکه سیاست آمریکا با ایجاد تن به برکناری شاه داده، هوپز را مأمور کرد تا امرای ارتش ایران را برای حفظ منافع نظامی آمریکا برای یک انتقال آرام قدرت راضی کند. در این صورت آمریکا به هدف خود، یعنی خراب کردن تجهیزات نظامی سرخ خود و حفظ ارتش دست نخورده، شاهنشاهی، می رسد. ارتشبد فرهادی واسطه چنین معامله ای خائنه بود. برآستی او کجاست و تحت حمایت کیست؟

این نوشته متأسفانه تاریخ ندارد دوران اوج نهضت است. دورانی که وفاداری ارتش و کارگزارانش در سرکوب قیام خلق زیر ملت سؤال قرار می گیرد. به خصوص به آن جهت که نقشه قوت ارتش از نظر رژیم آن بود که با نهضت داشت برنامه تفکراتی و بیخوشی در آن کشور به مردم اجرا گذاشته شده بود و همه امرای ارتش وظیفه و رسالت آنرا استثنوی

نوی بر پرتل خود میدانستند. ارتشها معمولاً ناگاهترین افکار جامعه نسبت به واقعیت جریانهای اجتماعی بودند و به این سبب برای سرکوب جریان های شرقی و انقلابی و توده های بیچاره می توانستند مورد استفاده قرار گیرند. اکنون با کفایت ارتش به خیابانها و در دروازه های ارتش با مردم تحت ستار و حمایت دولتی می ایستاد. این افکار میگردید و با وجود این که در ارتش شهادت می دیدند، آنها میباید که با جمل و ناگاه می نمودند و باقی ماندن ارتش تکیه کرد؟

**بافرنگ استعماری و شاهنشاهی**

**آشناسوم**

رئیس ستاد در اینجا میگوید: شکها را زایل کند، و به آریامهری و ارتش و باغی و بیخوشی و کورگانه اش مطمئن خاطر بود. نوشته اینطور شروع می شود. در این روزها که سپهر ستاد شاهد حوادث متعددی بوده است، مطبوعات کشور به نقل از خبرگزاریهای خارجی با خبرنگاران خود، با بر پایه شایعات مطالبی را در مورد ارتش شاهی و همتایان آن درج کرده اند. ارتش شاهی و همتایان در هر مورد وسیله مطبوعات موارذ خلاف را روشن کرده و توضیح داده است.

در این روزها که سپهر ستاد شاهد حوادث متعددی بوده است، مطبوعات کشور به نقل از خبرگزاریهای خارجی با خبرنگاران خود، با بر پایه شایعات مطالبی را در مورد ارتش شاهی و همتایان آن درج کرده اند. ارتش شاهی و همتایان در هر مورد وسیله مطبوعات موارذ خلاف را روشن کرده و توضیح داده است.

در این روزها که سپهر ستاد شاهد حوادث متعددی بوده است، مطبوعات کشور به نقل از خبرگزاریهای خارجی با خبرنگاران خود، با بر پایه شایعات مطالبی را در مورد ارتش شاهی و همتایان آن درج کرده اند. ارتش شاهی و همتایان در هر مورد وسیله مطبوعات موارذ خلاف را روشن کرده و توضیح داده است.

ضرورت حمایت مادی و معنوی از انقلاب فلسطین

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران و بنام خلق قهرمان فلسطین

باز دیگر بدنبال بهاران های خنجرانه جنوب لبنان و امتصاب غذای دلبرانه هزاران قهرمان اسرائیلی در زندانهای اسرائیل غاصب و جناح تکرار و طایفه ترسانان اردو انقلابی در خارجها زنده می شود. چرا که روش است که طایفه یف هیچ انقلابی را ستین در داخل مرزهای ملی محدود نشده و تنها با ادای افراشی مسئولیتای بین المللی تکمیل می گردد. در این میان انقلابیون مسلمان که در حین دیدگاههای توحیدی خود انقلابشان اساساً «حزبی» نمیباشد، مسئولیتها و وظایف سیاسی مدنی تر بگردانند.

ما هرگز سیاسی والای «بهرط» لغاتی را که برای اولین بار و تنها در سیهترین روزهای غنای ساله فلسطین را در برابر مطرح نمودن فراموش نمیکنیم که پیوسته این حدیث نبوی را تکرار می کردیم: «ما نزلنا فی فلسطین و فلسطین فیما فیها» (ما را نازل کردیم در فلسطین و فلسطین در آنجاست).

در این روزها که سپهر ستاد شاهد حوادث متعددی بوده است، مطبوعات کشور به نقل از خبرگزاریهای خارجی با خبرنگاران خود، با بر پایه شایعات مطالبی را در مورد ارتش شاهی و همتایان آن درج کرده اند. ارتش شاهی و همتایان در هر مورد وسیله مطبوعات موارذ خلاف را روشن کرده و توضیح داده است.

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران و بنام خلق قهرمان فلسطین

باز دیگر بدنبال بهاران های خنجرانه جنوب لبنان و امتصاب غذای دلبرانه هزاران قهرمان اسرائیلی در زندانهای اسرائیل غاصب و جناح تکرار و طایفه ترسانان اردو انقلابی در خارجها زنده می شود. چرا که روش است که طایفه یف هیچ انقلابی را ستین در داخل مرزهای ملی محدود نشده و تنها با ادای افراشی مسئولیتای بین المللی تکمیل می گردد. در این میان انقلابیون مسلمان که در حین دیدگاههای توحیدی خود انقلابشان اساساً «حزبی» نمیباشد، مسئولیتها و وظایف سیاسی مدنی تر بگردانند.

ما هرگز سیاسی والای «بهرط» لغاتی را که برای اولین بار و تنها در سیهترین روزهای غنای ساله فلسطین را در برابر مطرح نمودن فراموش نمیکنیم که پیوسته این حدیث نبوی را تکرار می کردیم: «ما نزلنا فی فلسطین و فلسطین فیما فیها» (ما را نازل کردیم در فلسطین و فلسطین در آنجاست).

در این روزها که سپهر ستاد شاهد حوادث متعددی بوده است، مطبوعات کشور به نقل از خبرگزاریهای خارجی با خبرنگاران خود، با بر پایه شایعات مطالبی را در مورد ارتش شاهی و همتایان آن درج کرده اند. ارتش شاهی و همتایان در هر مورد وسیله مطبوعات موارذ خلاف را روشن کرده و توضیح داده است.

در حال حاضر است. بدیهی است که حمایت از انقلاب فلسطین به مثابه بهشتی انقلابات منطقه کانتالای ایران دقیقاً در پیوند قاتل با آن ست راستین بین المللی است. این را باید، نمیک وظیفه موری اخلاقی و یک مقدمه برداری بین المللی، بلکه یک فریاد اجتناب ناپذیر عقیدتی و سیاسی است. فریادی که بدون قیام به آن انقلاب ما، که از رشد خدا میسر نیست، منتفای و جهانی است محروم میماند. خود همچون درختی تنها، در صحنه ریزش بین المللی فرو میخفتد. لذا اکنون که پنجاهزار اسیر فلسطینی با اعتصاب غذای جسورانه خود، صحنه ای دیگر از نبرد یک روزنکی یک ملت کبر را در پس میله های زندانهای محو اسرائیلی به آرمایش کشیده اند، باید دیگر بهاد ما را به پیروی از راهی خود را تا چه حد مدیون کمکها و حمایتای بهرینج فلسطین هستیم. بهاد ما را به پیروی که در افواج سالیهای غنای انقلاب فلسطین تحت رهبری سازمان بر افتخار الفتح، سپهر، مدرسه و محل تدارک بسیاری از آزادان و انقلابیون ایران بوده است. آری دران سالها فلسطینی مهاجر و آزاده علاوه بر برجی وطنی و تربیت خونبار خود، در میزبانی و پذیرایی انقلابی، آریاسی، انقلابیون ایران هیچ درنگ و درنگ نکرده و حامی خود در این جهان خاک و پایگاهی نداشت. با پیگاه انقلاب و انقلابیون ایران شد. لکن متأسفانه پس از واژگونی رژیم شاه، برخلاف تمام آزاده ها و مالکها و رهبرها، مردم ایران بر لایه فلسطین و شخص برادر با صرافات که قبل از همه با ایران پیروز گرد تا نخستین شهید گوی بهار آزادی باشد خبری از حمایتای مادی و تشدیدهای.

با حمایت همه جانبه از انقلاب فلسطین و ریشه کردن همه پیوندهای انقلاب بنکار از شمارها و خواسته های دایمی انقلاب ایران در سراسر این سالها نبوده است؟ آیا دفاع از حریت انقلاب فلسطین، بخش تجزیه ناپذیری از متون بین المللی انقلاب ما نیست؟

آنها دهها میلیون مقت و فرماری که در جریان سفر برادر با صرافات و چه در روز جهانی قدس به حمایت از انقلاب فلسطین گروه ها و بهارها و خاستند تجلی اراده فلسطینی و بهرینج اندیش خلق قهرمانان در این باره نیست؟

پاسخ همه این سؤالات به مثابه یک رفتارند ملی و اسلامی سرایتی است. بحق که ضرورت حمایت همه جانبه از فلسطین دیگر باستانی یکی از بازترین اصول قوانین اساسی ما محسوب شود. اصل قانونی که یکی از بهارهای خنجرانه بدینترتیب و بهرینج است و محو و سیل و فتنه های در این میان جهت در آزار امتصاب غذای پنجاه هزار زندانی قهرمان فلسطینی که هر یک از خانواده های بسیاری را در وحشت و اضطراب فرو می برد. مجاهدین خلق ایران به تاکید خواستار آنند که اگر اراده ملی خلق ایران محتر شمرده می شود، باستانی حمایت نظامی و سیاسی و مالی از انقلاب فلسطین در اصول هرقانون اساسی پیشنهادی مراعات گشایده شود و الا متون بین المللی در جلال انقلاب ما را نادیده گرفته و لایه قابل قبول نخواهد بود. لکن با کمال تأسف میخونیم که یک روز برای خوشی امپریالیستهای انقلاب فلسطین را در جنوب کشور محدود میکنند و روز دیگر به آنها مطمئن میدهند که کمک نظامی به انقلاب فلسطین نکرده و نخواهند کرد. ۱- بحق که آنجا که ما مدیون حمایت از انقلاب فلسطین تاکنون اساساً «از حمایت فلسطینی و تشرفاتی و شرو عمار تجاور گرد است.

و این در حالی است که ما مدیون زرد خانه های ایران ملو از علاج و کوی تجهیزات است که متنی بهرینج سراسر کوی آریامهری را در خواست خود، در جنوب لبنان را تجاور آمریکا و اسرائیل مقابله کرده و هزاران هزار آریامهری بهار را (که به ظاهر ادعای میکنی آنها نیز داریم) ۱- مرگ و کشتی نجات بخشد. علاج و تجهیزات که گاه فقط در ایران یافت می شود. و کارشناسان و متخصصان فلسطینی بخوشی می توانند در تمام از مرزها و فلسطینی ها آریامهری گرد.

و این در حالی است که ما مدیون کمروزان مسلمان ها بشکه نفت از ایران هستیم که در این سراسر ایران است. و تنها برای پول بهرینج آریامهری می توانستند. و بهرینج در ده های فلسطین را چاره کند و خواهر و برادر فلسطینی را از دست بگریزد. سازمان ملل خارج از مرزها و در حالی است که ما مدیون ذخایر آریامهری موجود در ایران سر به مبارزه با زندانهای کوی آریامهری است. متفق های فلسطین را از کمک های آریامهری مترجمین عرب بی نیاز خواهد کرد.

پس آیا زمان آن نرسیده است که دست کشان دادن از دور برای فلسطین

